

تصمیمات محاکم

تصمیم دیوان عالی تمیز بر نقض

در مورد حکم بعدم اعسار با وجود شهود

و تأیید میشود) - محکوم علیه تمیز داده - دیوان عالی تمیز شعبه (۳) در حکم شماره ۱۴۲۸۱ ر ۲۰۹۳ بتاريخ ۱۷/۹/۱۶ پس از رسیدگی چنین رای داده است:

(علاوه بر اینکه شهود مستدعی تمیز (مدعی اعسار) در رسیدگی بدوی به اعسار او شهادت داده و کیفیت شهادت ایشان هیچ مخالفتی با ماده ۷ قانون اعسار ندارد و محکمه استیناف بدون توجه باین معنی حکم بدوی را برد اعسار تأیید نموده وکیل مستدعی در جلسه اول رسیدگی استینافی تقاضا کرده که شهودی برای ادای شهادت نسبت بعسرت موکل حاضرند و همچنین نسبت بارانه اسنادی راجع باینکه معامله خانه مورد نظر محکمه ولو بعد از ضمانت باشد در تعقیب معامله بوده که قبل از ضمانت مزبور صورت گرفته بوده است و برای آوردن اسناد خود تصدیق خواسته و محکمه بقر در تقاضا ترتیب اثر نداده است و حال آنکه اصولاً برای تکمیل رسیدگی میبایست بهر دو تقاضا توجه می نمود و مواد مربوطه به محاکمه اختصاری هم مخصوصاً ماده ۲۷۲ قانون اصول آزمایش موید تقاضای مزبور میباشد لذا بمرااتب حکم مورد استدعای خودش و باتفاق آراء نقض می شود.)

کسی بمدعی به اعسار زی پرداخت پولیکه ضامن کسی شده و آن کس فوت کرده بمحکمه بدایت عرضحال بر طلبکار داده - و از محکمه استماع شهادت شهودی که کتباً اعسار او را گواهی داده اند خواسته است - محکمه در نتیجه رسیدگی حکم بعدم اعسار داده - محکوم علیه استیناف داده محکمه استیناف پس از رسیدگی چنین رای داده است (ساحصل اظهارات مدعی اعسار آنست که خانه فقط داشته که در سابق فروخته بوده و غیر از آن دارایی مالی نبوده و نیست با اینکه طبق ضمانت نامه مدعی اعسار خود را ضامن معرفی کرده بوده و در آن تاریخ خود را معتبر معرفی کرده و مستندی را که ابراز داشته نسبت بخانه بوده که بعداً معامله کرده است و قیمت خانه را یکصدوسی هزار ریال تقویم کرده بوده که فرضاً هشت هزار و پانصد تومان خانه را به بیع خیداری واگذار کرده بوده دلیلی ارائه نداده که آن مبلغ را چه کرده و اظهاراتی که قبل از آن مستند نسبت بان خانه نقل و اتقالی شده و در آن بابت تصدیق خواسته است که خواستن این تصدیق بعد از جریانات قانونی و بعد از موعده وجهه قانونی نداشته و اعتراض موجهی بر حکم مستانف عنه نکرده است علیهذا حکم محکمه که بررد اعسار صادر شده بلااشکال بوده

تصمیم دیوان عالی تمیز بر نقض

در مورد محکومیت بایعی که قادر بر تسلیم مبیع نیست

کسی بمدعی به مبلغی بابت قیمت چوب الوار جنگلی و مبلغی بابت وجه التزام بر ضامن بایع اقامه دعوی در محکمه بدایت کرده - محکمه بدایت مدعی علیه را غیاباً محکوم

بموجب ماده ۳۴۸ قانون مدنی - بیع چیزی که بایع قادر بر تسلیم آن نیست باطل است مگر آنکه مشتری خود قادر بر تسلیم باشد .

به تسلیم چوبها کرده و در قسمت وجه التزام مدعی را محکوم به بیحقی نموده - محکوم علیه اعتراض کرده و بر اثر مراجعه بدستور مدعی تحویل مقصداری از چوبها معلوم گردیده و از این جهت محکمه حکم را نسبت بمقدار تحویلی فسخ و نسبت بباقی مدعی علیه را محکوم کرده است - محکوم علیه استیناف داده - محکمه استیناف پس از رسیدگی چنین رای داده است (اعتراضات وکیل مستأنف يك قسمت از همان مطالبی است که در مقام اعتراض بر حکم غیابی محکمه ابتدائی اظهار شده خلاصه اینکه چون از طرف اداره فلاحات قطع اشجار صنعتی و حمل آن از رشت به طهران ممنوع بوده مستأنف قدرت بر تسلیم چوبهای مورد معامله نداشته و نیز از جهت ذکر نشدن اوصاف معیّنه چوبها معامله آن بموجب مواد ۳۴۸ و ۳۵۱ قانون مدنی باطل بوده علاوه بر اطلاق معامله از جهات مزبور یا فرض اینکه معامله صحیح تصور شود طبق شرط مقرر در قرارداد اثر تخلف مستأنف از تحویل چوبها تأدیه وجه التزام میبایست و صدور حکم به تسلیم مبیع مجوزی نداشته از محکمه بدایت تقاضای تصدیق شده که از اداره فلاحات گواهی تحصیل شود باینکه قطع اشجار و حمل آن آزاد بوده بانه و در تاریخ تمهید اجازه به کسی داده شده است یا نه محکمه از اعطاء تصدیق خودداری نموده است و درخواست تصدیق از این محکمه میشود هیچیک از اعتراضات مزبور وارد نیست زیرا علاوه بر اینکه از تسلیم مقداری چوب های مورد معامله از شروع بدعوی و همچنین در اثناء محاکمه معلوم است که عنوان عدم قدرت بر تسلیم چوب بواسطه منع قطع اشجار و حمل آن اساس ندارد بنا بر اظهار وکیل مستأنف که در جواب پرسش محکمه اظهار نموده معلومی شود که از چند سال قبل از تاریخ معامله قطع اشجار و حمل آن به طهران ممنوع بود و با اینحال اقدام بمعامله نموده است و این اقدام باملاحظه شغل فروشند تردیدی نیست که با فرض ممنوع بودن قطع و حمل اشجار فروشند مسبوق و

مطلوع بوده و خود را قادر بر تسلیم مبیع میدانسته و بدین جهت اقدام بمعامله مزبور نموده و خود تمهید به تحصیل اجازه حمل اشجار نموده است که بنا بر این تصدیق اداره فلاحات مبنی بر ممنوع بودن قطع اشجار و حمل به تهران مخصوصاً باملاحظه وکیل مستأنف باینکه تحصیل اجازه برای اشخاص بمقدار حاجت ممکن و نه تأثیری ندارد و از مستند دعوی هم فهمیده نمیشود که اثر تخلف فروشند از تحویل مبیع فقط الزام بتأدیه وجه التزام باشد بلکه الزام او بتأدیه وجه التزام ضمن شرط علیحده فقط لازم به تحویل مبیع نبرده است لذا حکم مستأنف عنه تأیید میشود)

محکوم علیه نمیزداده - شعبه (۳) دیوان عالی تبریز در حکم شماره ۲۹۱/۴۲۹۱۴۲۱۲ تاریخ ۲۷/۹/۱۳۶۹ چنین رای داده است:

(اعتراض عمده مستدعی این است که فروشنده قدرت بر تسلیم مبیع نداشته و بالتسبیح بیع مورد بحث باطل بوده و در این باب تصدیقی از محکمه خواسته است مراتب را از اداره کل فلاحات استعلام و تقدیم و محکمه از نظر اینکه فروشنده مقداری از مبیع را تسلیم خریدار نموده و حین العقد با علم باینکه از طرف اداره فلاحات قطع اشجار جنگلی و حمل آن ممنوع است اقدام بر بیع کرد. تقاضای مستدعی را رد و حکم بدوی را تأیید نموده است و حال آنکه صحت بیع مشروط بقدرت واقعی بائع بر تسلیم مبیع است و بر فرض که بائع هنگام معامله خود را قادر بر تسلیم مبیع بداند یا نشان دهد و فی الواقع عاجز باشد مطابق ماده ۳۴۸ قانون مدنی بیع باطل است و وکیل مستدعی در صورت جلسه استینافی طریق بدست آوردن آن مقدار از چوبهایی را که تسلیم شده ذکر کرده است پس لازم بود محکمه برای احراز این معنی در اطراف قضیه تحقیقات بیشتری می نمود بنا بر این حکم مورد استدعاء مخدوش و با تفاق آراء نفی میشود...)

تحمل سازد اقامه نشده و نامه منتسب بزوجه و نوشته عم مشارالیه نیز تأثیر در قضیه ندارد - استدلال مزبور برای فسخ حکم مستأنف عنه کافی نخواهد بود چه حکم مزبور باستنادا اینکه شهود مدعیه متفقاً شهادت به بدرفتاری و سوء معاشرت مدعی علیه با عیال خود بطوری که ادامه زندگانی آنها با هم غیر ممکن میباشد و استناد دو فقره نوشته مدرک که مضمی بامضاء مدعی علیه و عم او حاکی از سوء رفتار مدعی علیه و عدم رعایت مقررات ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی صادر گردیده و علاوه بر اینکه شهود مرقوم در صفحات ۳ - ۴ - ۵ - ۶ تقریرات پرونده بدوی اطلاعاتی را که در محضر محکمه اظهار داشته اند طوری نیست که بطور کلی اطلاعات آنان مکتسب از شخص مدعیه تلقی گردد دو فقره نوشته مزبوره حکایت از اوضاع و احوال و اماراتی مینماید که بموجب ماده ۱۳۲۴ قانون مدنی مکمل شهادت شهود و قابل استناد بوده است و در حکم مورد شکایت دلیلی برای عدم تأثیر آن در قضیه ذکر نشده بنا بر مراتب چون حکم مورد استدعای تمیز مدلل و موجه صادر نگردیده و از این جهت معلول است و نقض می شود...

شهود روی اطلاعات شخصی مستأنف علیها است و اکثر آنان گفته اند که نمیدانیم کدام يك از طرفین با هم سوء رفتار دارند اساساً دلیل و مدرکی که مثبت سوء معاشرت زوج (مستأنف) نسبت بزوجه خود بحدی که ادامه زندگانی مستأنف علیها را با او غیر قابل تحمل سازد اقامه نشده و نامه منتسب به مستأنف نیز این معنی را غیر حاکی و نوشته عم مستأنف نیز بی تأثیر در قضیه و بنا بر این مورد غیر منطبق با فقره ۲ از ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی مورد استناد محکمه بدوی است و حکم مستأنف عنه مخدوش و معلول بوده و فسخ میگردد و مستأنف علیه ادر تقاضای خود بالزام شوهر در دادن طلاق محکوم به بیحقی است) - محکوم علیها تمیز خواسته - دیوان عالی تمیز شعبه (۳) در حکم شماره ۱۴۲۷۰ - ۲۱۱۴ بتاريخ ۱۶۹۹۲۲ چنین رأی داده است:

(استدلال محکمه استیناف در صدور حکم مورد شکایت این است علاوه بر اینکه مبنی و پایه شهادت شهود روی اطلاعات شخصی مستأنف علیها است اکثر آنان گفته اند نمیدانیم کدام يك از طرفین با هم سوء رفتار دارند اساساً دلیل و مدرکی که مثبت سوء معاشرت زوج نسبت بزوجه خود بحدی که ادامه زندگانی مستأنف علیها را با او غیر قابل

تصمیم دیوان عالی تمیز

در مورد اختلاف در صلاحیت محلی مستنطق

عدم صلاحیت خود و صلاحیت حوزه قضائی بروجرد را صادر و پرونده نزد قاضی تحقیق بروجرد ارسال میگردد امین صلح چاپلق و بربرود (قائم مقام مستنطق) نیز پس از تحقیقات از لحاظ اینکه اجاره در دفتر اسناد رسمی تهران واقع شده و محل وقوع جرم تهران است قرار عدم صلاحیت خود و صلاحیت مستنطق تهران را با موافقت مدعی - العموم بدایت بروجرد میدهد و پرونده را بپار که بدایت تهران میفرستد مستنطق تهران با موافقت مدعی العموم باستنادا اینکه ملك مورد ادعا در حوزه استینافی بربرود واقع و محل اقامت شاکی و مشتکی عنه در حوزه استنطاقی بروجرد است

بموجب شق اخیر از ماده ۵۴ اصول محاکمات جزائی - وقتیکه متهم یا مظنون بارتکاب جنحه یا جنایت در حوزه مستنطق اقامت دارد هر چند وقوع جرم در حوزه مستنطق دیگر بعمل آمده باشد مستنطق محل اقامت شروع بتحقیقات مینماید.

کسی بانهام اینکه ملك کسی را که ساکن تهران بوده در دفتر اسناد رسمی تهران بدیگری اجاره داده بر حسب شکایت صاحب ملك در عراق مورد تعقیب پار که آنجا واقع و مستنطق عراق با موافقت مدعی العموم از نظر اینکه متهم محل اقامت خود را حوزه قضائی بر و جرد تعیین نموده و محل وقوع جرم منتسب باو هم تهران تعیین گردیده قرار

(چایلیق و بربرود که مرکزیش انیگودرز است) قرار عدم صلاحیت خود و صلاحیت مستنطق حوزه قضائی بروجرد را طبق مستفاد از قسمت اخیر ماده ۴ و ماده ۵ و ۶ قانون اصول محاکمات جزائی میدهند و پرونده امر از طرف پارکه برای حل اختلاف بوسیله پارکه دیوان عالی تمیز بدیوان تمیز فرستاده شده و شعبه (دو) دیوان عالی تمیز پس از رسیدگی در حکم شماره ۱۰۳۵۹ ر ۱۰۷۴۱۰۲۰۷ بتاريخ ۱۶۹۲۱ ر ۱۶۹۲۱

چنین رأی داده است :

(نظر باینکه در موقع شکایت شاکی بر حسب دلالت پرونده عمل محل اقامت متهم جزء حوزه بروجرد بوده و مستنطق محل وقوع عمل انتسابی (تهران) قبل از شکایت مزبور دخالتی در موضوع نکرده طبق فقره ۳ ماده ۵۴ قانون اصول محاکمات جزائی مستنطق بروجرد برای رسیدگی صالح است .)

تصمیم دیوان عالی تمیز بر نقض

در مورد محکومیت متهم بمجازات اشد در صورت وقوع جرم پیش از قانون مجازات اشد

و از جهت ثبوت اصل تقصیر هم اشکالی بر حکم مورد درخواست وارد نیست لیکن از لحاظ تعیین مجازات اشکال مؤثر و موجب نقض بر حکم مزبور وارد میباشد زیرا محکمه حاکمه در مقام تعیین مجازات ماده ۲ از مواد الحاقی با اصول محاکمات جزائی دایر بلزوم تعیین حداکثر مجازات از لحاظ تعدد جرم و ماده ۴۵ مکرر قانون مجازات عمومی را راجع بتخفیف در نظر گرفته و حال آنکه وقوع عمل مورد حکم بر حسب دلالت اوراق پرونده قبل از تاریخ تصویب دو ماده مذکوره بوده و اصولاً مطابق ماده ۶ قانون مجازات عمومی محکمه نمیتوانسته قانون متأخر اشد را در باره متهم اعمال نماید لذا حکم مجازات از این جهت مخالف قانون محسوب و بموجب ماده ۴۳۰ قانون اصول محاکمات جزائی بانفاق آراء نقض و ختم امر بمحکمه جنائی رجوع میشود .)

بموجب ماده (۶) قانون مجازات عمومی - مجازات باید بموجب قانونی باشد که پیش از ارتکاب آن عمل مقرر شده باشد و هیچ عملی را نمیتوان بعنوان جرم بموجب قانون متأخر مجازات نمود .

کسی بانهم جعل ورقه بتاريخ ۱۳۴۷ و استفاده از آن مورد تعقیب محکمه جنائی واقع و محکمه از لحاظ اخراز جرم طبق ماده ۱۰۶ و رعایت ماده (۲) الحاقی و ماده ۴۵ مکرر متهم را برای هر یک از عمل جعل و استفاده از آن با علم بجهل بدو سال حبس و مجرد محکوم کرده است - محکوم علیه تمیز خواسته - دیوان عالی تمیز شعبه (۲) در حکم شماره ۸۸۸۲ ر ۲۰۶۴۱۰۲۰۷ بتاريخ ۱۶۹۲۱ ر ۱۶۹۲۱ پس از رسیدگی چنین رأی داده است :

(هر چند از طرف مستدعی تمیز بیان اعتراضی نشده)

تصمیم دیوان عالی تمیز بر نقض

در مورد محکومیت متهم بسرقت مقرون به آزار و جرح

که مجازات از حد اقل کمتر معین شده باشد

نیز واقع شده باشد بعد از مجازات مزبور محکوم می شود .
بموجب ماده ۴۵ مکرر مصوب خرداد ۱۳۱۳ -

بموجب ماده ۲۲۳ قانون مجازات عمومی - هرگاه سرقت مقرون به آزار یا تهدید باشد مرتکب بحبس با اعمال نافه از سه تا پانزده سال محکوم خواهد شد و اگر جرحی

در کلیه موارد بکه مجرم مطابق قانون باید بعداً کثیر مجازات محکوم شود در صورت وجود موجبات تخفیف نمیتوان مرتکب را به کمتر از حد اقل محکوم نمود

کسی با اتهام قصد قتل و ارتکاب سرقت مقرون به آزار و جرح مورد تعزیم واقع و محکمه جنائی پس از تبرئه متهم در قسمت قصد قتل و احراز جرم سرقت و تطبیق مورد به ماده ۲۲۳ متهم را با رعایت ماده ۴۷ آن قانون به دو سال حبس مجرد محکوم مینماید - محکوم علیه از حکم مزبور تمیز خواسته - دیوان عالی تمیز شعبه (۲) در حکم شماره ۴۰۸/۲۰۷۳۱۰۴ بتاريخ ۲۱/۹/۱۶۹۲۱ چنین رای داده است:

(هر چند از طرف درخواست کننده تمیز بیان اعتراضی نشده و از جهت تخصیص صدور حکم (سرقت) شکالی بر حکم مورد در خواست وارد نیست لیکن نظر باینکه در ضمن اظهار عقیده از طرف مدعی العموم دیوان عالی تمیز بدین شرح اعتراض و تقاضای نقض حکم مزبور شده است.

(نظر باینکه اولاً بر حسب ظاهر مفاد حکم مستنداً بقریر متهم سرقت ثابت شده و در نظر محکمه حاکمه مقرون به جرح نیز بوده و از این جهت عمل با قسمت اخیر ماده ۲۲۳ قانون مجازات عمومی انطباق دارد که بموجب آن

حد اکثر مجازات را متهم استحقاق داشته و با رعایت تخفیف طبق ماده (۴۵) مکرر قانون مزبور نمیتوان مجازات را کمتر از حد اقل معین کرد و محکمه حاکمه مجازات حبس با اعمال شاقه را بکدرجه تخفیف و تبدیل بحبس مجرد کرده بر خلاف ماده اخیر الذکر و از اینجهت طبق ماده ۴۳۲ قانون اصول مجازات جنائی تبعاً تقاضای تمیز از حکم مذکور و نقض آن میشود - ثانیاً نسبت با اتهام متهم به قصد قتل که جزء دعوی مدعی العموم بوده محکمه حاکمه متهم را تبرئه کرده و حال آنکه تبرئه او مخالف با اعترافات صریحه متهم در دائره استنطاق ضمن تحقیقات اولیه و همچنین مخالف اوضاع و احوال قضیه و تحقیقات بدوی میباشد و از این جهت و بموجب ماده ۴۳۰ مکرر قانون اخیر الذکر تقاضای تمیز و نقض حکم در قسمت تبرئه متهم راجع به قصد قتل و ارجاع بمحکمه دیگر برای تجدید رسیدگی میشود.

هیئت شعبه چه از لحاظ ورود اعتراض مزبوره و چه از جهت مخالفت حکم تبرئه متهم از اتهام قصد قتل با ادله مذکوره با نظر پارک دیوان عالی تمیز موافقت دارد لذا بموجب ماده ۴۳۰ اصلی و مکرر قانون اصول مجازات جنائی حکم محکمه جنائی بانفاق آراء نقض و ختم امر به محکمه جنائی... رجوع میشود.

تصمیم دیوان عالی تمیز بر نقض

در مورد رد تقاضای استینافی اداره گمرک که با متهم از

حکم محکمه جنحه استیناف داده است

تا ده روز پس از پرداخت یا پس از تاریخ توقیف با رعایت مسافت بمحاکم عدلیه مراجعه نماید...
بموجب ماده (۹) قانون نام برده - ادارات مربوطه وزارت مالیه یا نمایندگان آنها حق تقاضای استیناف و تمیز از کلیه قرارها و احکامیکه مطابق قانون قابل استیناف و تمیز است خواهند داشت.

بموجب ذیل ماده (۷) قانون قاچاق - قرار توقیف مرتکب قاچاق بر اثر نیرداختن جریمه که از طرف مستنطق صادر میشود قابل استیناف و تمیز نیست لیکن شخص توقیف شده میتواند مطابق ماده (۸) بمحکمه عدلیه مراجعه نماید...
بموجب ماده (۸) قانون نام برده - کسی که جریمه او گرفته شده و بایر برای گرفتن جریمه توقیف شده میتواند

۱۳۱۳ صادر گردیده منتهی اداره مزبور هم از جهت نسبت بقرار مستنطق در باب میزان جریمه معترض بوده و بمحکمه بدایت شکایت کرده ولی در هر حال حکم ابتدائی در قسمت تبرئه متهمان مطابق ماده ۸ قانون مزبور صادر گردیده و محکمه استیناف باستناد ماده ۷ آن قانون و نظامنامه مربوطه حکم ابتدائی را درباره اداره مزبور قطعی و غیر قابل استیناف دانسته و باین ملاحظه اساساً وارد رسیدگی بموضوع تقاضای استینافی اداره نشده در صورتیکه ماده ۷ و نظامنامه آن ناظر است بموردی که مستنطق تقاضای اداره مربوطه را در باب توقیف متهم رد نماید یا قرار منع تعقیب بدهد و مورد شکایت اداره واقع گردد و مربوط بمورد و ماده ۸ نخواهد بود و احکام محکمه ابتدائی در مورد ماده ۸ بموجب اطلاق ماده ۹ قانون مزبور اگر بر خلاف نظر اداره مربوطه باشد اداره نسبت بان حق استیناف دارد بنا بر این حکم مورد در خواست تمیز دائر برد تقاضای استیناف اداره مربوطه از حکم بدایت مبنی بر تبرئه متهمان در یک قسمت از موضوع اتهام مخالف اصول محسوب و بموجب ماده ۴۳۰ قانون اصول محاکمات جزائی باتفاق آراء نقض و ختم امر بهمان شعبه دوم محکمه استیناف ... رجوع میشود (

دو نفر باتهام قاچاق و پیرداختن جریمه طبق قرار مستنطق توقیف شده اند و از برای تبرئه خود در حکم بدایت بر قرار مزبور اعتراض کرده اند - اداره گمرک نیز اعتراض کرده - محکمه بدایت یک نفر را تبرئه و یک نفر دیگر را به پرداخت جریمه و هشت روز حبس محکوم کرده - اداره گمرک نسبت به تبرئه یکی از متهمان و محکوم علیه از حکم مزبور استیناف خواسته - محکمه استیناف از لحاظ اینکه رای محکمه بدایت در این مورد قابل اعتراض نیست قرار رد عرض حال اداره گمرک را داده و نسبت بمحکوم علیه حکم را (از جهت عدم قید رعایت تخفیف) فسخ و او را بپرداخت جریمه و صدی سی علاوه و با رعایت تخفیف باستناد ماده ۴۴ او را بهشت روز حبس محکوم کرده است - اداره گمرک و محکوم علیه هر دو تمیز خواسته - دیوان عالی تمیز شعبه (۲) پس از رسیدگی در حکم شماره ۲۰۳۵۲ ا ۱۰۷۸۱۰۲۰ تاریخ ۲۰۲۰۹۲۰۹۱۶ چنین رای داده است :

(نظر باینکه موضوع شکایت استینافی اداره گمرک در این مورد حکم محکمه ابتدائی دائر به تبرئه متهمان از ارتکاب قاچاق نسبت بزائد بر آنچه بکنفر آنها محکوم شده میباشد که حکم مزبور در اثر شکایت متهمین از قرار مستنطق طبق ماده ۸ قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب اسفند